



# امام رسیده

جواد خرمی

پروفسور «هانری کرین» فرانسوی می‌گوید: «به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را در میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته است و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را زنده و پا برجاست. داند. مذهب یهود، نبوت را - که رابطه - ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی - در حضرت کلیم ختم کرده، و پس از آن به نبوت مسیح - علیه السلام - و حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - اذعان ننموده و رابطه مزبور را قطع می‌کند.

صفای باغ رضوان داری ای دوست  
نشان از روی جانان داری ای دوست  
تویی یوسف که دز هر کوی و برزن  
هزاران پیر کنعان داری ای دوست  
یکی از بزرگترین امتیازات مکتب تشیع اعتقاد به امام حی و زنده است. ادیان و مذاهب دیگر یا رهبرانشان از دنیا رفته و یا هنوز متولد نشده‌اند، و تنها مذهبی که قائل است آخرین امام او زنده است و هستی به او می‌چرخد و تمام مشخصات آن امام را، حتی لحظه تولد او را ضبط و ثبت نموده است، مکتب تشیع است.

همچنین مسیحیان در حضرت مسیح متوقف شده‌اند. اهل سنت از مسلمانان نیز در حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - توقف کرده و با ختم نبوت در ایشان دیگر رابطه‌ای میان خالق و مخلوق موجود نمی‌دانند. تنها مذهب تشیع است که «نبوت» را به حضوت محمد - صلی الله علیه و آله - ختم شده می‌داند، ولی «ولایت» را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند.<sup>۱</sup>

به همین جهت شیعه زمان ظهور آن یار غائب را لحظه شماری می‌کند و ایران به عنوان مرکز شیعه، مرکز انتظار شمرده می‌شود.

هانری کربن می‌گوید: «سرزمین ایران از دید اخروی، سرزمین انتظار

است؛ قلمروی که در آن امام غایب دست اندرکار فرا رساندن ساعت موعود در زمان غیبت است.»<sup>۲</sup>

آنچه پیش رو دارید بیان برخی ادله عقلی و نقلی زنده بودن حضرت صاحب الزمان، مهدی موعود - علیه السلام - است، که گرچه حیات آن حضرت بر شیعیان پوشیده نیست، اما به جهت پاسخگویی به مخالفان مطرح می‌گردد.

#### الف. دلائل عقلی

لزوم بعثت انبیا در تمام ادیان به اثبات رسیده است، در اسلام نیز دلائل عقلی فراوانی بر لزوم بعثت انبیا ارائه گردیده است. مانند برهان کمال مطلق بودن خداوند، و برهان لزوم هدایت بشر به سعادت ابدی، و دفع ظلم و...<sup>۳</sup>

۲. مجله انتظار، شماره ۲، سال اول، ص ۱۲۹.

۳. رک: شیخ محمد رضا مظفر، بداية المعارف الالهية شرح از سید محسن خرازی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۵؛ و رک: محمد تقی مصباح، آموزش عقائد، تهران، شرکت چاپ و نشر بین المللی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۱،

۱. سالنامه مکتب تشیع، مصاحبات استاد علامه طباطبائی با پروفیسور هانری کربن درباره شیعه، ۱۳۳۹، شماره ۲، ص ۲۰؛ مهدی پیشوائی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق - علیه السلام -، چاپ دوم، ۱۳۷۴ هـ ش، ص ۷۲۲.



همان براهین در اثبات امامت نیز جاری و ساری است، مخصوصاً با توجه به این نکته که در اسلام، نبوت خاتمه یافته، حکمت الهی اقتضا می‌کند که این خاتمیت همراه با نصب امامی زنده برای هر دوره و زمان باشد.

اگر در این دوران، امام زمان زنده و ناظر بر اعمال امت در کار نباشد، نظام احسن بودن هستی، و همین طور کمال مطلق بودن ذات احدیت، و برهان لزوم دستگیری انسانها و هدایت بشر خدشه دار می‌شود. به دلیل اینکه براهین عقلی در کتب کلامی به تفصیل بیان شده و در حوصله این نوشتار نیست، از تفصیل آنها می‌پرهیزیم.

### ب. دلائل نقلی

ادله نقلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک گروه به صورت کلی وجود امام زنده را در هر عصر و زمان

ضروری و لازم می‌دانند، دسته دوم، به صورت خصائص وجود امام زنده و حاضر در هستی، و غالب از دیدگان را به اثبات می‌رسانند.

### دلائل نقلی عام

دلائل نقلی کلی و فراگیر که وجود امام زنده را در هر زمان ضروری می‌دانند، فراوان است که اهم آنها از این قرار می‌باشند:

#### ۱. واسطه فیض الهی

از دیدگاه مذهب ژرف اندیش تشیع، امام هر زمان واسطه فیض الهی و مجرای رحمت خداوندی، و قلب عالم هستی به شمار می‌رود. اگر هستی و زمین لطمه‌ای از وجود حجت شما و امام زنده خالی باشد، از هم می‌پاشد، و زمین اهل خویش را فرو خواهد برد. امام زین العابدین - علیه السلام - می‌فرماید: **تَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ، وَخَضِجَ اللَّهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَسَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَادَّةُ الْعُرِّ الْمُحِطِّلِينَ وَسَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ، تَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ الشُّجُومَ أَمَانُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَتَحْنُ الَّذِينَ يَنَا يُنْسِكُ اللَّهُ**

ص ۱۳۷ - ۱۸۰ و ری: علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ ه. ق.، ص ۳۵۳ - ۳۵۴

السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَإِذْنِهِ. وَبِنَا يُنْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَبِنَا يُكْرَهُ الْقَيْثَ وَبِنَا يُشْشِرُ الرُّخْصَةَ، وَيُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ، وَكُلَّ مَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛<sup>۱</sup> ما پیشوایان مسلمین، حجت‌های خدا بر جهانیان، آقای مؤمنان، پیشوای رؤسایان، و دوستداران و سرپرست‌های مؤمنین هستیم. ما امان اهل زمین هستیم، چنانکه ستارگان پناه آسمانیان‌اند.

و ما کسانی هستیم که خداوند به وسیله ما آسمان را از اینکه بر زمین واقع شود نگه می‌دارد؛ مگر با اجازه خودش، و به وسیله ما است که زمین را از فرو بردن اهلش باز می‌دارد، و به وسیله ما باران نازل می‌کند و به وسیله ما رحمت را منتشر می‌کند و برکات زمین را آشکار می‌سازد. و اگر از ما

کسی بر روی زمین نباشد، اهلش را فرو خواهد برد.

و امام صادق - علیه السلام - نیز فرمود: «اگر زمین بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کف خویش فرو می‌برد»<sup>۲</sup>.

ابن ابی الحدید نیز از امام علی - علیه السلام - نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ لَنَا تَخْلُوقَ الْأَرْضِ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ أَمَا ظَاهِرًا أَوْ خَائِضًا مَقْضُورًا لَيْسَ لَنَا تَنْطَلِعَ حُجَجُ اللَّهِ وَتَنْتَابِئُ<sup>۳</sup> زمین خالی از حجت قیام کننده برای خدا نیست، خواه ظاهر و آشکار و یا پنهان و پنهان، تا دلایل و اسناد روشن الهی از بین نرود».

همچنین ابن حجر عسقلانی، یکی دیگر از علمای اهل سنت، این نظر

۲. صدوق، کمال الدین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ هـ. ق، ص ۲۰۲، باب ۲۱.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۰ م، ج ۱۸، حکمت ۱۴۳۰.

۱. امالی الصدوق، لبنان، مؤسسه الاعلمی، ص ۱۵۶، ح ۸۵ محمدی ری شهزادی، اهل بیت فی الکتاب والسنة، دار الحدیث، ص ۱۶۰.





راتائید می‌کند و می‌گوید: «وَقِي صَلَاةَ عِيسَى خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَعَ كَوْنِهِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَقُرْبِ قِيَامِ السَّاعَةِ دَلَالَةً لِلصَّحِيحِ مِنَ الْأَقْوَالِ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو عَنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ»<sup>۱</sup> و در نماز خواندن عیسی - علیه السلام - پشت سر مردی از این امت در آخر الزمان و نزدیک برپایی قیامت، نشانه‌ای است بر این قول درست که زمین [هیچگاه] خالی از حجت قیام کننده برای خدا نیست.»

۲. همراهی قرآن و پاسداری از آیین خدا  
از حدیث ثقلین که تواتر آن بین مسلمین قطعی است، می‌توان استفاده برد که وجود امام زنده در کنار قرآن لازم و همیشگی است. در این حدیث می‌خوانیم: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّحْقِيقِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِشْرَتِي وَلَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرُدَا

۱. علی بن حجر عسقلانی، فتح الباری، شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه، ج ۶، ص ۴۹۴.

عَلَى الْخَوْضِ»<sup>۲</sup>؛ دو چیز گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترم. این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند.»  
از این حدیث مبارک نکاتی استفاده می‌شود، از جمله اینکه: قرآن و اهل بیت همیشه همراه یکدیگر و جدایی ناپذیرند. از این رو باید همیشه امام زنده‌ای در هر زمان در کنار قرآن وجود داشته باشد، تا مضمون حدیث تحقق پیدا کند.

همچنین پاسداری و صیانت از قرآن و آیین خدا می‌طلبند که همیشه امام زنده‌ای وجود داشته باشد. امام علی - علیه السلام - فرمودند: «هرگز روی زمین از قیام کننده‌ای یا حجتی و دلیلی خالی نمی‌ماند... تا دلایل و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید.»<sup>۳</sup>

۲. حر عاملی، البیة الهداة، قم، چاپخانه علمیه، ج ۱، ص ۷۲۳.  
۳. شرح نهج البلاغه، همان، ج ۱۸، خطبه ۱۴۷.

### ۳. شب قدر

وجود شب قدر در ماه مبارک رمضان هر سال، از مسلمات بین مسلمین است. در این شب حوادث یک سال تقدیر می‌شود، و نزول تقدیرات در هر سال می‌طلبد که نبی و یا امام زنده‌ای باشد تا تقدیرات یک سال را از عالم اعلی تلقی و دریافت نماید.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - به ابا بکر و عمر فرمودند: «تقدیرات [هر سال در شب قدر] بر چه کسی نازل می‌شود؟ گفتند: بر شما یا رسول الله. فرمود: آیا شب قدر بعد از من ادامه دارد؟ گفتند: بلی. فرمود: در آن وقت تقدیرات بر چه کسی فرود می‌آید؟ گفتند: نمی‌دانیم. حضرت فرمود: بدانید بر قلب این شخص (اشاره به امیر المؤمنین علی - علیه السلام -) نازل می‌شود»<sup>۱</sup>

و بعد از امیر مؤمنان، علی - علیه السلام - بر قلب سایر ائمه - علیهم السلام - به ترتیب نازل می‌شده است. امام علی - علیه السلام - فرمودند: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِي بَيْتِكَ اللَّيْلَةَ أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِيَذَلِكَ الْأَمْرَ وَلَا يَغْدُرُ رَسُولُ اللَّهِ، فَقِيلَ مَنْ هُمْ؟ فَقَالَ أَنَا وَأَخَدَ عَشْرًا مِنْ صَلَّيْ أُمَّةٍ مُحَدِّثُونَ»<sup>۲</sup>

لیله القدر در هر سال وجود دارد که تقدیرات یک سال بر والیان بعد از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نازل می‌شود. گفته شد: ولات امرچه کسانی هستند؟ فرمود: من و یازده نفر از نسل من که امامان محدث هستند [که صدای ملک را می‌شنوند ولی او را نمی‌بینند].»

احادیث فوق و امثال آن به خوبی دلالت دارند بر اینکه امام

۲. حر عاملی، ائمة الهداة، همان، ج ۲، ص ۲۹۸.

۱. بدایة المعارف، محمد رضا مظفر، شرح از سید محسن خرازی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ج ۲، ص ۱۲۷.

۱. یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۳۶۳.



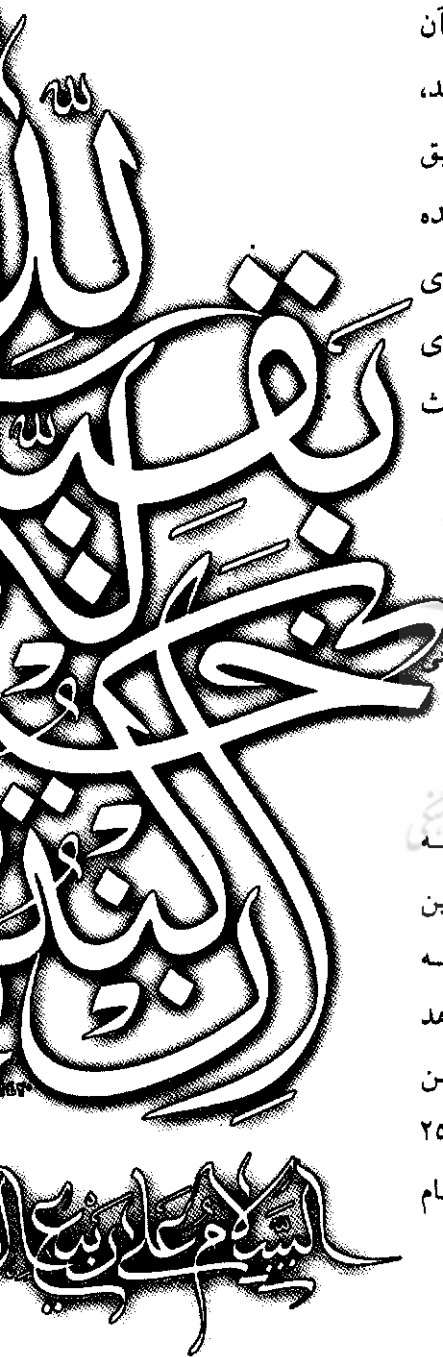
زنده و حیّ در هر زمان ضروری و لازم است و آن امام در این زمان مهدی موعود - علیه السلام - می‌باشد، البته با توجه به این نکته که امام بعدی توسط امام سابق تعیین شده است، و آخرین امامی که به شهادت رسیده و شهادتش از مسلمات تاریخ است، امام حسن عسکری - علیه السلام - می‌باشد، بعد از ایشان باید امام زنده‌ای باشد تا تقدیرات بر قلب مبارکش نازل شود، و حوادث یکسال را دریافت نماید.

#### دلائل نقلی خاص

دلائلی که به صورت خاص نشانگر تولد و زنده بودن مهدی موعود - علیه السلام - می‌باشد متعدد است، که برخی از آنها از این قرار است:

#### ۱. ثبت تاریخ ولادت

در تاریخ و روایات، مسئله ولادت امام زمان - علیه السلام - به صورت متواتر ثابت شده است. مستندترین گزارش در این زمینه، از طرف «حکیمه» خاتون، عمه حضرت عسکری - علیه السلام - رسیده که از نزدیک شاهد تولد حضرت مهدی - علیه السلام - بوده است. طبق این گزارش، در آغاز سپیده دم روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ (ه.ق)، مطابق ۸۶۸ میلادی، در شهر «سامراء»، در خانه امام



حسن عسکری - علیه السلام - ، حضرت مهدی - علیه السلام - دیده به جهان گشود.<sup>۱</sup>

## ۲. دیدار با حضرت مهدی علیه السلام در زمان امام عسکری علیه السلام

با اینکه بر اثر اختناق شدید، ولادت حضرت مهدی - علیه السلام - پنهان بود و ملاقاتها بسیار حساب شده و با احتیاط انجام می‌گرفت، با این حال عده زیادی در دوران حیات امام حسن عسکری - علیه السلام - به ملاقات مهدی موعود - علیه السلام - نائل شده‌اند که تاریخ نویسان، ماجرای این دیدارها را به صورت گسترده گزارش کرده‌اند.<sup>۲</sup> از جمله آنها دیدار چهل تن از اصحاب امام حسن عسکری - علیه السلام - با آن حضرت است.

«حسن بن ایوب نوح» می‌گوید: ما برای پرسش درباره امام بعدی، به محضر امام عسکری - علیه السلام - رفتیم. در مجلس آن حضرت چهل نفر حضور داشتند. عثمان بن سعید عمری پیا خاست و عرض کرد: می‌خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره آن از من داناتری...

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۵۱، ص ۱۵ - ۱۶ و ص ۲۵؛ ر.ک: ارشاد مفید، ص ۳۲۶، و اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴ و اکمال الدین،

شیخ صدوق، ج ۲، ص ۹۷ و ۱۰۶ و غیبت شیخ طوسی، ص ۱۲۴ - ۱۲۸.

۲. صدوق، کمال الدین، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ه.ق، ص ۴۷۵؛ و ر.ک:

ینابیع المودة، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۱۲۵؛ و ارشاد مفید، قم،

مکتبة بصیرتی، بی تا، ص ۳۵۰ - ۳۵۱.





حضرت فرمود: می‌خواهید به شما بگویم که برای چه اینجا آمده‌اید؟ همه گفتند: بفرمایید. فرمود: «برای این اینجا آمده‌اید که از حجت و امام پس از من برسید». گفتند: بلی. در این هنگام پسری نورانی همچون پاره ماه که شبیه‌ترین مردم به امام عسکری - علیه السلام - بود، وارد مجلس شد. حضرت با اشاره به او فرمودند: «این امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این صورت هلاک می‌شوید.»<sup>۱</sup>

### ۳. اِ اعتراف عده‌ای از مورخان اهل سنت

تعداد قابل توجهی از مورخان اهل سنت نیز تولد حضرت مهدی - علیه السلام - را در کتب خود ذکر کرده‌اند

۱. شیخ طوسی، الغیبة، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، ص ۱۴۱ و رک: شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع المودة، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۱۳۱، و منتخب الاثر، لطف الله صافی، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۳ هـ، ص ۳۵۵.

و آن را یک واقعیت تحقق یافته دانسته‌اند. برخی از پژوهشگران، بیش از صد نفر از آنان را معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup> مانند: ابن حجر هیثمی، شیراوی، محمد امین بغدادی، سویی، مؤمن شبلنجی، ابن اثیر، حمد الله مستوفی، ابن طولون، ابن صباغ مالکی، قندوزی<sup>۳</sup> و...

۲. مهدی فقیه ایمانی، مهدی منتظر در نهج البلاغه، اصفهان، کتابخانه عمومی امیر المؤمنین - علیه السلام -، ص ۲۳ - ۳۹.
۳. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۶۷، برخی از منابعی را که به این حقیقت اعتراف دارند چنین نام می‌برد:

۱. ابن حجر هیثمی، الصواعق؛ قاهره، چاپ دوم، ص ۲۰۸.
۲. شیراوی، الاتحاف بحب الاشراف، قم، منشورات الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ، ص ۱۷۹.
۳. محمد امین بغدادی سویی، سبائک الذهب فی معرفة قبائل العرب، بیروت، دار صعب، ص ۷۸.
۴. مؤمن شبلنجی، نور الابصار، قاهره، مکتبه المشهد الحسینی، ص ۱۶۸.
۵. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ج ۷، ص ۲۷۴، حوادث سال ۲۶۰.

#### ۴. وجود نائبان خاص در دوران

##### غیبت صغری

نائبان خاص حضرت مهدی - علیه السلام - در دوران غیبت صغری، چهارتن از اصحاب باسابقه امامان پیشین و از علمای با تقوا و بزرگ شیعه بودند که «نواب اربعه» نامیده شده‌اند.

این چهار نفر عبارتند از:

۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمّری

(۲۶۰ - ۲۶۷)

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمّری

(۲۶۷ - ۳۰۵)

۶. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، چاپ دوم،

تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲، ه.ش، ص ۲۰۷.

۷. ابن طولون، الائمة الاثنی عشر، قم،

منشورات الرضی، ص ۱۱۷.

۸. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، بی تا، ص

۳۱۰.

۹. شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع المودة،

بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص

۳۶.

#### ۳. ابوالقاسم حسین بسن روح

نویختی (۳۰۵ - ۳۲۶)

#### ۴. ابو الحسن علی بن محمد

سمری (۳۲۶ - ۳۲۹)

چند روز پیش از وفات علی بن

محمد سمری، از ناحیه امام زمان -

علیه السلام - توقیعی به این صورت

خطاب به وی صادر شد:

«ای علی بن محمد سمری! خداوند

در سوگ فقدان تو پاداشی بزرگ به

برادرانت عطا کند. تو تا شش روز

دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را

مرتب کن و هیچ کس را به جانشینی

خویش مگمار. دوران غیبت کامل فرا

رسیده و من جز با اجازه خداوند متعال

ظهور نخواهم کرد و ظهور من پس از

گذشت مدتی طولانی و قساوت دلها و

پر شدن زمین از ستم خواهد بود...»<sup>۱</sup>

#### ۵. تشرف عده‌ای از بزرگان در

##### زمان غیبت

۱. طوسی، الغیبه، همان، ص ۲۴۲ - ۲۴۳؛

مجلسی، بحار الانوار، همان، ج ۵۱، ص ۳۶۱.



دلیل دیگر بر زنده بودن آن حضرت، تشرف عده بی‌شماری از بزرگان و انسانهای وارسته در طول تاریخ، خدمت آن حضرت است که تعداد آنها فوق حد تواتر است.<sup>۱</sup> نوعاً برای اثبات قضایای تاریخی، به یک نقل و یا حداکثر چند نقل اکتفاء می‌شود، ولی درباره تشرف افراد وارسته خدمت آن حضرت، نقل بی‌شماری وجود دارد که به یک نمونه اشاره می‌شود. ناگفته پیداست که این دلیل برای کسانی مفید است که بزرگان مذهب را قبول داشته و آنان را در سخن خود صادق بدانند.

مرحوم میرزا محمد تنکابنی به واسطه مرحوم آخوند لاهیجی از آقا سید محمد «فرزند آقا سید علی» صاحب «مناهل» نقل می‌کند که علامه حلی در شب جمعه به تنهایی به زیارت سید الشهداء می‌رفت و بر الاغی سوار بود و تازیانه‌ای در دست داشت. در اثناء راه، شخص عربی پیاده

به همراه علامه به راه افتاد و با هم به مکالمه مشغول شدند. چون قدری با هم سخن گفتند، بر علامه معلوم شد که این شخص مرد فاضلی است و متبحر در علوم می‌باشد؛ لذا مشکلاتی که برای او در علوم حل نشده بود، یک به یک از آن شخص سؤال می‌کرد و او حل می‌نمود تا اینکه سخن در مسئله‌ای واقع شد و آن شخص فتوایی داد، علامه منکر آن شد و گفت: حدیثی بر طبق این فتوی نداریم.

آن مرد گفت: شیخ طوسی در «تهذیب» حدیثی در این باب ذکر کرده و شما از کتاب «تهذیب» فلان مقدار از اول بشمارید، در فلان صفحه و فلان سطر این حدیث مذکور است.

علامه در حیرت شد که این شخص کیست؟ از آن مرد پرسید: آیا در زمان غیبت کبری، می‌توان حضرت صاحب الامر - علیه السلام - را دید یا نه؟ در این هنگام تازیانه از دست علامه افتاد. آن حضرت خم شد و تازیانه را از زمین برگرفت و در میان دست علامه گذاشت و فرمود: «چگونه

۱. رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱ - ۱۸۰.

حسن ختام کلام را شعر ذیل قرار  
می‌دهیم:

دانی که انتظار تو با ما چه می‌کند؟  
طوفان بین به پهنه دریا چه می‌کند  
آشفته‌ام چو موج به دریای زندگی  
آشفتگی بین به دل ما چه می‌کند  
یکدم پیرس این همه غم این همه بلا  
در خاطر شکسته ز غمها چه می‌کند  
دور از بهار روی تو بی‌برگ مانده‌ام  
بی‌برگ و بارمانده به دنیا چه می‌کند  
بنشین ز راه لطف دمی در کنار دل  
آخر پیرس این دل تنها چه می‌کند!

صاحب الزمان را نمی‌توان دید و حال  
آنکه دست او در میان دست توست؟»

علامه بی‌اختیار خود را از مرکب  
به زمین انداخت که پای آن حضرت را  
ببوسد، پس غش نمود و چون به هوش  
آمد کسی را ندید، و پس از آنکه به  
خانه بازگشت، رجوع به کتاب  
«تهذیب» نمود و آن حدیث را در  
همان ورق و همان صفحه و همان  
سطر که آن حضرت نشان داده بودند،  
یافت. و علامه به خط خود در حاشیه  
کتاب «تهذیب» نوشت:

این حدیث را حضرت صاحب  
الامر - علیه السلام - با ذکر صفحه و  
سطر، محل آن را نشان دادند.

مرحوم تنکابنی - رحمه الله - می-  
گوید: آخوند لاهیجی می‌گفت: من  
همان کتاب را دیدم و در حاشیه آن  
حدیث، خط علامه را مشاهده کردم که  
به مضمون سابق بود.<sup>۱</sup>

۱. رک: حسین علی پور، جلوه‌های پنهانی  
امام عصر - علیه السلام -، قم، نشر فرهنگ  
شیعه، چاپ اول، ۱۳۷۶، و تنکابنی، قصص  
العلماء، ص ۳۵۹.

۲. شعر از: ن. قدرتی.

